

فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، پیاپی ۲۳

تبیین راه‌برد نرم‌افزار گرایانه جهاد در قرآن کریم

محمد جانی پور^۱

محمد رضا ستوده‌نیا^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۲

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۱۱

چکیده

گونه‌شناسی انواع مختلف جهاد در قرآن کریم، بیانگر آن است که می‌توان این مفهوم را در دو گفتمان متفاوت بررسی کرد: نخست، جهاد سخت که با استفاده از واژه‌های «قتال» و «مراپه»، از آن تعبیر شده است؛ دوم، جهاد نرم که زیر مجموعه‌ی واژه «جهاد» است. فلسفه و بنیاد جهاد در دین مبین اسلام، مشتمل بر اقداماتی است که از طریق نقد مبادی قدرت‌های نامشروع حاکم، به نفی رژیم‌ها و سیاست‌های آن‌ها منتهی می‌شود؛ از این روی می‌توان گفت جهاد در دین مبین اسلام، به مثابه راه‌بردی نرم‌افزار گرایانه مطرح شده است

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)؛ janipoor@isu.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان؛ bayanelm@yahoo.com

که امروزه، با استفاده از عنوان عمومی «جنگ نرم»، از آن تعبیر می‌شود.

این راهبرد، متناسب با وضعیت و مقتضیات زمان، به گونه‌های مختلف نمود یافته است و نمونه بارز آن را می‌توان در اقدامات جهادی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در مقابله با حکومت معاویه و یزید مشاهده کرد؛ بدان معنا که این دو امام بزرگوار در واقع، یک راهبرد را در پیش گرفته بوده‌اند.

در این مقاله کوشیده‌ایم از طریق معناشناسی و بررسی گونه‌های مختلف جهاد در قرآن کریم، نظریه قرآن درباره جنگ نرم جهادی را تبیین و راهبردهای نرم‌افزارگرایانه برای دست یافتن به آن‌ها را بررسی کنیم؛ بدان معنا که جهاد، راهبردی نرم‌افزارگرایانه و شمول آن به مراتب بیشتر از جنگ نرم با دشمن است؛ از این روی، جنگ نرم با دشمن، از مصداق‌های جهاد از منظر قرآن کریم به شمار می‌آید. برای تبیین دقیق این موضوع، اصل جهاد متناسب با گفتمان قرآنی را تحلیل، و مرزهای مفهومی و کاربردی آن با قتال را ترسیم کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، جهاد، قتال، جنگ نرم، قدرت

نرم، راهبرد.

۱. مقدمه

تقابل همیشگی کفر و ایمان، و حلقه واسطه تقابل آن‌ها، یعنی جهاد، از جمله اصولی است که هم در آموزه‌های دینی وهم در عرصه حیات بشری، نمودی چشم‌گیر داشته است؛ به گونه‌ای که کمتر حادثه تاریخی‌ای را می‌توان مشاهده کرد که در پرتو این دو مفهوم کلیدی شکل نگرفته باشد.

در نوشتار حاضر کوشیده‌ایم از منظری تازه و متفاوت، به مفهوم جهاد در قرآن کریم بنگریم و به صورت مصداقی، برخی موضوعات آن در گفتمان اسلامی را مطرح کنیم. بدیهی است تغییر نگاه به یک موضوع و دگرگونی مفهومی آن، موجب می‌شود فلسفه تشریح و هدف‌های موردنظر از انجام‌دادن آن متحول شود و تغییرهایی کاربردی در آن صورت گیرد. برای درک این معنا لازم است اصل موضوع جهاد، متناسب با گفتمان قرآنی تحلیل و مرزهای مفهومی و کاربردی آن با قتال ترسیم شود.

عموم نظریه‌های موجود درباره جهاد، ناظر بر رزمی و نظامی دیدن آن است و بر این اساس، مبادی فقهی آن‌ها ترسیم شده است (برای آشنایی با مبادی فقهی روی کرد غالب نزد گروه‌های مختلف دینی نگاه کنید به: ابن تیمیه، ۱۳۶۸ق؛ ابوزهره، ۱۳۸۴ق؛ حسن، ۱۴۰۲ق؛ زحیلی، ۱۳۸۱ق؛ توسی، ۱۳۸۷ق؛ موسوی خمینی، بی‌تا؛ هیکل، ۱۴۱۷ق)؛ درحالی که به نظر می‌رسد بنیاد اصلی این مفهوم، غیرنظامی است و روی کردهای سخت و نظامی، تنها بخشی اندک از شبکه معنایی جهاد را ترسیم می‌کنند؛ مثلاً پیامبر اکرم (ص) جهاد اکبر و اصلی را عبارت از مبارزه با نفس (قدرت نرم) معرفی کرده و بدین ترتیب، بنیاد آن را غیرنظامی دانسته است: «أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۵ / ۱۲). «ثُمَّ قَالَ (ص) أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ» (ابن بابویه، بی‌تا: ۴۶۷).

بنابراین به نظر می‌رسد مفهوم عام برداشت‌شده از این واژه، نیازمند نقد و ارزیابی است و بر این اساس، مدعای اصلی مؤلفان این مقاله، آن است که جهاد، راه‌بردی نرم‌افزار گرایانه و شمول آن، به مراتب بیشتر از جنگ سخت با دشمن است؛ بدان معنا که جنگ سخت با دشمن، تنها یکی از مصداق‌های جهاد در قرآن کریم است و در قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع)، بیشترین تأکید بر جنگ نرم و راه‌بردهای نرم‌افزار گرایانه آن صورت گرفته است؛ به همین منظور، در ادامه، مفهوم برخی واژگان مطرح در این زمینه از منظر قرآن کریم را تبیین و در نهایت، نظریه قرآن درباره این مسئله را تحلیل می‌کنیم.

۲. مبانی مفهومی تحقیق

در این بخش، به مباحث ذیل می‌پردازیم:

۲-۱. جهاد

واژه «جهاد» از ریشه «جَهَدَ» یا «جُهِدَ» و به معنای عمومی تلاش است (بیستونی، ۱۳۸۶ش: ۲۲۵؛ سیاح، ۱۳۷۱ش: ۲۱۹). تحلیل لغوی این واژه در گفتمان اسلامی، بر ظرایف معنایی‌ای مهم دلالت می‌کند که پرداختن به آن‌ها برای ورود به بخش نظری پژوهش، ضروری است. مهم‌ترین ملاحظات لغت‌شناسانه دربارهٔ واژه «جهاد» بدین شرح‌اند:

الف) در جهاد، عنصر وسع و طاقت، ملاک است و به همین سبب، در لسان‌العرب، جهاد با «به‌کار بستن تمام توان» شناسانده شده است (ابن‌منظور، ۱۴۲۶ق: «جَهَدَ»). در این معنا، ریشهٔ این واژه، «جُهِدَ» است.

ب) در جهاد، عنصر مشقت و سختی نهفته است؛ چنان‌که در شرح قسطلانی بر صحیح بخاری آمده است: «جهاد می‌تواند مشتق از "جَهَدٌ" باشد که به معنای سختی است» (ذوقی، ۱۳۸۸ش: ۱۸).

ج) در جهاد، عنصر آگاهی وجود دارد؛ بدان معنا که بنیاد جهاد را معرفت شکل می‌دهد و معنای حقیقی آن در حوزه معرفت و خودسازی محقق می‌شود.

بررسی مصداق‌های جهاد در قرآن کریم، چنان‌که در ادامه خواهد آمد، بیانگر تأیید این معنا و نیز این مسئله است که جهاد را باید اقدامی نرم‌افزارانه معنا کرد؛ نه جنگی سخت‌افزارانه.

۲-۲. قتال

اصل کلمه «قتل» به معنای ازالهٔ روح از بدن، همانند موت است؛ ولی بنا به اعتباری که از این عمل می‌شود، اگر کسی متولی این ازالهٔ روح باشد، لفظ «قتل» و اگر اصل عمل در نظر گرفته شود، لفظ «موت» به کار می‌رود؛ همانند آیات ذیل در قرآن کریم: «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ

اِنْقَلَبْتُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ» (آل عمران: ۱۴۴)؛ «فَلَمْ تَقْتُلُوْهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ» (انفال: ۱۷)؛ «قَتَلَ الْاِنْسَانَ مَا اَكْفَرَه» (عبس: ۱۷) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۵۶).

لفظ «قتل» نیز به معنای نفرینی علیه آنان که از طرف خداوند متعال، مغضوب واقع می شوند، به کار رفته است؛ مانند: «قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ اَنۡىٰ يُؤۡفِكُوۡنَ» (توبه: ۳۰) و «قَتَلَ الْخِرَاصُوۡنَ» (ذاریات: ۱۰). مؤلف مجمع البحرین نیز در کتاب لغت خود، درباره معنای «قتل»، معتقد است این لفظ برای نفرین و لعنت استعمال شده است؛ مانند: «قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ اَنۡىٰ يُؤۡفِكُوۡنَ» (منافقون: ۴) (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۵ / ۴۵۰).

«قتل» به معنای حذف فیزیکی، موضوع سنتی جنگ سخت است و بررسی مصداق‌های آن در قرآن کریم (ر.ک. ذوقی، ۱۳۸۷ش: ۶۵-۹۶؛ هیکل، ۱۴۱۷ق: ۵۶-۶۰)، بیانگر آن است که کشتن در وضعیت خاص، با رعایت ویژگی‌های آن - که در کلام الهی، به صورت مفصل تبیین شده - برای دفاع از خود، مجاز است. دلیل این مسئله، اهمیت و حرمت جان در گفتمان اسلامی است؛ بدین شرح که در مکتب اسلام، ریخته شدن خون، مسئله‌ای بسیار خطیر ارزیابی شده است که نمی‌توان و نباید به سادگی، به آن مبادرت کرد؛ افزون‌بر این، پیامدهای چنین اقداماتی، منفی و گسترده است و از این روی، قتال و قتل، پیوسته با ملاحظات تحدیدی، در فقه اسلامی، مورد توجه بوده است (زحیلی، ۱۳۸۱ق: ۸۳).

این در حالی است که بیشتر مستشرقان و برخی نویسندگان داخلی، در برجسته‌سازی عنصر خشونت در الگوی توسعه اسلام کوشیده و شمشیر را زبان اصلی اسلام دانسته‌اند. پررنگ کردن جایگاه جنگ، به نادیده‌انگاشتن ظرفیت‌های اقناعی و جذابیت فطری اسلام می‌انجامد؛ از این روی، حتی مقولات و مفاهیمی نرم‌افزارانه همچون دعوت، ذمه و جهاد در مکتب اسلام، به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، به حوزه سخت‌افزاری منتقل شده و اصالت خویش را ازدست داده‌اند.

با وجود این، تصویر نظامی‌ای که دیدگاه‌های مبتنی بر نصوص و سیره، در نهایت، از جهاد عرضه کرده‌اند، بسیار متفاوت با قتال است؛ مثلاً آیت‌الله عمید زنجانی جهاد را با «مخاصمه مسلحانه» معادل دانسته و معرفی کرده و آن‌دو را ذیل یک عنوان و اثر قرار داده است (ر.ک. عمید زنجانی، ۱۳۸۵ش ب: ۳۴)؛ اما شرایط، مقدمات و شیوه‌های آن را

به گونه‌ای تبیین کرده که با اصول و قواعد جنگ‌های سخت، منطبق نیست و بیشتر به جنگ نرم شباهت دارد (ر.ک. عمید زنجانی، ۱۳۸۳ش).

البته باید توجه کنیم که جنگ، به مثابه مصداق بارز سخت‌افزارگرایی و به حکم صریح قرآن کریم نمی‌تواند مطلوب باشد؛ زیرا در صورت بروز هرگونه تعارض و منازعه بین دو گروه از مسلمانان، وظیفه اولیه، حل و فصل مسالمت‌آمیز آن است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹)؛ یعنی:

و اگر دو طایفه از اهل ایمان به قتال با یکدیگر برخاستند، پس میان ایشان، صلح و مصالحه برقرار سازید. پس اگر یکی از آن‌دو بر دیگری ظلم روا داشت، پس با او بجنگید تا اینکه به فرمان الهی گردن نهد. پس اگر چنین کرد، میان ایشان براساس عدل، صلح و مصالحه برقرار سازید و قسط پیشه نمایید که همانا خداوند، پیشه‌کنندگان قسط را دوست می‌دارد.

به همین سبب، برخی ائمه اطهار (ع) و حاکمان جامعه اسلامی در وضعیتی خاص و نیز مواضعی مختلف که در ادامه، درباره آن توضیح خواهیم داد، اصالت جنگ سخت‌افزاری (قتال) را نقد و نفی کرده‌اند؛ چنان‌که امام حسین (ع) نیز در آغاز حرکت به سمت مکه تصریح کرد: «وظیفه من در حال حاضر، جنگ نیست» (شهیدی، ۱۳۵۹ش: ۱۶۸) و خود و یارانش تا قبل از رسیدن به کربلا و حتی تا ظهر عاشورا، بارها سربازان و فرمان‌دهان لشکر یزید را به راه راست و پرهیز از جنگ فراخواندند.

در این زمینه، کلام امام حسین (ع) ره‌گشاست؛ آنجا که در لحظه‌های پایانی منتهی به نبرد، خطاب به سپاه دشمن فرمود: «مردم! شتاب مکنید! سخن مرا بشنوید! من خیر شما را می‌خواهم! من می‌خواهم به شما بگویم برای چه کاری به سرزمین شما آمده‌ام! اگر سخن مرا شنیدید و انصاف دادید و دیدید من درست می‌گویم، این جنگ که هر لحظه ممکن است درگیرد، از میان برخواهد خاست...» (شهیدی، ۱۳۵۹ش: ۱۷۰).

۲-۳. قدرت نرم

در طبقه‌بندی‌ای کلی می‌توان قدرت را بر دو نوع سخت و نرم تقسیم کرد. جوزف نای معتقد است هرچند قدرت نرم و سخت در هم تنیده‌اند، قدرت نرم به قدرت سخت، وابسته نیست. به گفته نای، قدرت نرم، عبارت از توانایی به‌دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار یا امتیاز دادن است. به اعتقاد وی،

این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران، مشروعیت دارد، قدرت نرم ما تقویت شده است. در واقع، زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بپذیرند، بدون اینکه برای این کار، هزینه زیادی (امتیاز یا اجبار) صرف کنید، در آن صورت، شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷ش: ۲۲).

به عبارت دیگر، در سطح کلان و در عرصه روابط بین‌الملل، جوزف نای معتقد است قدرت نرم یعنی جلب کردن مردم و استفاده از قدرت معنوی و اجتماعی آن‌ها به جای اجبارشان. در نهایت، تعریفی کلی بدین شرح درباره قدرت نرم بیان شده است: توانایی نفوذ و اثرگذاری بر اندیشه‌ها باهدف تحمیل خواست از طریق جلب نظر و متقاعد کردن ملت و دولت، بدون استفاده از زور و اجبار فیزیکی (رشید، ۱۳۸۷ش: ۴۴).

به عبارت دیگر، مراد از قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است که جنس آن، از نوع اقناع است؛ در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت، از نوع اجبار و وادار کردن است و به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه، مورد توجه خاص است؛ همچنین زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات خود را به‌منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز بگیرد (نای، ۱۳۸۲ش: ۱۰).

درنهایت می‌توان گفت قدرت از جنس نفوذ است و بر توانایی واداشتن دیگران بر انجام‌دادن کاری (قدرت ایجابی) یا انجام‌ندادن کاری (قدرت سلبی) دلالت می‌کند (واسکوز^۱، ۱۹۹۸م: ۳۶۹-۳۸۶) و از حیث منبع، دارای دو شکل اصلی است:

الف) قدرت سخت که بر اجبار، استوار است و به شکل زور نمود می‌یابد؛

ب) قدرت نرم که بر اقناع و جذابیت، استوار است و به شکل پذیرش نمود می‌یابد (نای، ۱۳۸۷ش: ۳۵-۸۲؛ افتخاری، ۱۳۸۷ش: ۷-۲۴).

جنگ نیز بر سیاست منازعه دلالت می‌کند که طی آن، بازیگر به تأمین خواسته از طریق کاربرد غیرمسالمت‌آمیز قدرت اقدام می‌کند (مسنجر^۲، ۲۰۰۱م: ۱۰ تا ۱۵).

با توجه به تحول ابزارها، وضعیت و بازیگران در عصر حاضر، به واسطه ظهور فناوری‌های تازه، جنگ‌ها نیز متحول شده و دو گونه اصلی آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) جنگ سخت که بر مبنای کاربرد خشونت‌بار ابزارهای نظامی برای تغییر رفتارها و دست‌یافتن به هدف‌های خاص طراحی و اجرا می‌شود؛

ب) جنگ نرم که بر مبنای کاربرد ابزارهای ارتباطی نوین و پیش‌رفته برای اثرگذاری بر مبادی رفتاری و دست‌یافتن به هدف‌های خاص طراحی و اجرا می‌شود (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۸ش: ۴۵-۵۰).

۳. روی کردهای غالب درباره جهاد

جهاد به دلیل حساسیت و نیز آثار گسترده آن بر دگرگونی‌های جوامع اسلامی و همچنین نظم جهانی، موضوع تحلیل‌های بسیار قرار گرفته و در نتیجه، دیدگاه‌هایی مختلف تولید و عرضه شده است. در این قسمت، نخست، به صورت مختصر به این نظریه‌ها می‌پردازیم و سپس دیدگاه برگزیده را بیان می‌کنیم.

درباره جهاد می‌توان دو روی کرد کلی را شناسایی کرد و دیگر نظریه‌های موجود در این زمینه را با وجود تفاوت‌های تحلیلی و استنادی، در این دو روی کرد کلی قرار داد. این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از:

1. John Vasquez
2. Charles Messenger

۳-۱. روی کرد حداکثری

در این دیدگاه، جهاد، مصداق کامل قتال ارزیابی و سیاستی شناسانده می‌شود که به کاربرد خشونت و ابزار نظامی برای سرکوب دشمن، با اغراض زیر دلالت می‌کند:

الف) صیانت از بلاد، نظام و جامعه اسلامی در برابر تعرض دشمن خارجی که با عنوان «جهاد دفاعی»، در کتاب‌های فقهی تعریف شده و از حیث عقلی و شرعی، برای آن، تأییدهای بسیار می‌توان یافت (ر.ک. توسی، ۱۳۸۷ش؛ موسوی خمینی، بی‌تا؛ هیکل، ۱۴۱۷ق؛ ابن تیمیه، ۱۳۶۸ق).

ب) تقویت نظم و ثبات داخلی جامعه اسلامی در برابر باغی (بغی کننده) که به دلیل سرکشی، مستوجب مقابله فیزیکی شده است (الماوردی، ۱۴۱۵ق؛ ابن قیم الجوزیه، ۲۰۰۶م: ۷۷۸-۷۸۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۵ش الف: ۳۱۰-۳۲۰).

ج) مبارزه با کافران به منظور توسعه «کلمه الله» که از آن، با عنوان جهاد ابتدایی یاد شده و البته دربارهٔ وجوب یا واجب نبودن آن، بحث‌های بسیار مطرح است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳ش: ۳۳۴-۳۳۶).

۳-۲. روی کرد حداقلی

در این دیدگاه، سه مصداق یادشده نقد و یک یا دو گونه آن از قلمرو جهاد خارج می‌شود. اصول این دیدگاه را می‌توان بدین شرح برشمرد:

الف) نفی وجوب جهاد ابتدایی؛ بدین صورت که برخی آن را از حیث معنا و کاربرد، خارج از گفتمان اسلامی دانسته‌اند (ر.ک. صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲ش: ۸۴).

ب) تفکیک مصداقی در معنای «بغاة» و خروج گروه‌های مخالف با حاکم عادل از گستره آن تا از این طریق، به کاربرد حداقلی جهاد در مقابل «باغی» برسند (هیکل، ۱۴۱۷ق: ۶۶؛ صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲ش: ۱۱۳-۱۲۹).

ج) تحدید در دفاع؛ به گونه‌ای که برای این اقدام ضروری، شروطی قائل می‌شوند تا از این طریق، از کاربرد گسترده آن پیش‌گیری کنند. این نویسندگان، مستند به آیات شریفه ۶۵ و ۶۶ از سوره مبارکه انفال و مواردی از این قبیل، صبر و پایداری را گام نخست در

جهاد دانسته و جنگ دفاعی را در مرحله بعدی قرار داده‌اند. برخی دیگر نیز قائل به شرط «تعداد» هستند و «دوبرابربودن» دشمن را دلیل وجوب جهاد دفاعی می‌دانند که درنهایت، این نظر، بیانگر «تحدیدگرایی جهاد» در اندیشه ایشان است (برای آشنایی با این دیدگاه‌ها ن.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲ش: ۱۰۴-۱۱۰).

چنان‌که می‌بینیم، نزد این گروه حداکثر «وجوب جهاد دفاعی» اثبات می‌شود و دیگر گزینه‌ها با ادله مختلف از حیث ماهیتی یا مصداقی نفی و خارج می‌شوند.

۴. گونه‌های جهاد در قرآن کریم

در نقد و ارزیابی دو دیدگاه یادشده در بحث جهاد می‌توان گفت قائلان به این دو نظریه اگرچه از حیث گستره عملیات جهادی، با یکدیگر تفاوت دارند، در نوع نگاهشان به ماهیت جهاد، تا حدودی شبیه یکدیگرند و به دلیل نظامی‌پنداشتن ماهیت جهاد می‌توان آن‌ها را در یک دسته قرار داد. بررسی مستندات عرضه‌شده از سوی هریک از دو طرف در نقد طرف مقابل نشان می‌دهد ایشان بارها از آیات و روایاتی که در آن‌ها، از واژگان «قتال» و «مربطه» سخن گفته شده، در بحث جهاد استفاده کرده‌اند؛ حال آنکه به نظر می‌رسد «جهاد» از حیث واژه و معنا، متفاوت با «قتال» و «مربطه» است.

قتال، الگویی سخت‌افزارگرایانه را در عرصه جهاد تداعی می‌کند؛ حال آنکه به نظر می‌رسد از منظر قرآن کریم، جهاد بر الگویی نرم‌افزارگرایانه در عرصه مدیریت مناسبات دلالت می‌کند؛ از این روی اگر بخواهیم از واژه «جنگ» در این زمینه استفاده کنیم، این واژه دو نوع جنگ سخت و جنگ نرم را شامل می‌شود و لازم است مفاهیم یادشده در این دو دسته تبیین و تشریح شوند. نتیجه این کار، اضافه‌شدن روی کردی سوم به نظریه‌های مطرح درباره جهاد است.

در این قسمت، مبانی و مستندات این معنا را تبیین و گونه‌های معرفی‌شده از جهاد در قرآن کریم را معرفی می‌کنیم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱-۴. جهاد الهی

انسان، اشرف مخلوقات است و خلق شده تا عبادت الهی را به نحو احسن و کامل به انجام رساند تا از این طریق اعتلا یابد و به هدف تعیین شده از خلقت خود برسد؛ از این روی، مبنایی ترین گونه جهاد، تلاش برای خدایی شدن است که خداوند متعال با ربط دادن جهاد به خودش، آن را بدین صورت تبیین کرده است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج: ۷۸)؛ یعنی:

برای خدایی شدن، چنان که شایسته چنین اقدامی است، تلاش نمایید. او خدایی است که شما را برگزیده و در دین، چیزی را که مایه رنج شما باشد، بر شما حمل ننموده است. این همان آیین پدرتان، ابراهیم است. خداوند شما را پیش از این، مسلمان نامیده است. در این طریق، پیامبر برای شما گواه است و شما خود گواهی هستید برای دیگر مردمان؛ پس اقامه نماز نمایید و زکات بدهید و به خدا متوسل گردید که او مولای شماست. او بهترین مولا و بهترین یاور است.

از این آیه شریفه، چند نکته بدین شرح در بحث جهاد، قابل استنتاج است:

الف) در این آیه، حرف جر «فی» به کار رفته که از حیث معنایی، برای «تعلیل» (بیان غایت) به کار می‌رود (الاسمر، ۲۰۰۵م: ۱۶۶)، بیانگر غایت مجاهده است و مقصود را می‌رساند.

ب) در این آیه شریفه، مجاهده صرفاً به «الله» معطوف شده است که مشابه آن را در دیگر آیات جهادی نمی‌توان با کاربرد «فی الله» یافت؛ بنابراین، منظور از مجاهده در اینجا تحولی است که به «الله» ختم می‌شود.

ج) مناسبت آیه، بیانگر آن است که مجاهده مورد نظر در این آیه، مبتنی بر برخی امکانات عرضه شده از سوی خداوند متعال و در عرصه‌های مختلف نظری و عملی است که در نهایت، به ولایت الهی ختم می‌شود (ر.ک. ایازی، ۱۳۸۰ش: ۱۵).

در جمع‌بندی موارد یادشده می‌توان گفت رکن بنیادین جهاد، به اقدام افراد برای خدایی شدن در دو حوزه نظر و عمل اطلاق می‌شود که با استفاده از تعبیر «جاهدوا فی الله» آمده است. از آنجا که این اقدام، تحولی ارزنده را شامل می‌شود که باید معیار آن، «الله» باشد، تعبیر خداوند متعال نیز «حَقَّ جِهَادِهِ» است که هیچ مرز و پایانی برای آن نمی‌توان تصور کرد. در این معنا، مسیر جهادی، طریقی است که انسان، اسما و صفات حق را در خود، به قدر توان و ظرفیتش متجلی می‌کند و از این ره‌گذر، متحول می‌شود و پیرامون خود را نیز دگرگون می‌کند. تأمل در نظریه‌های اصلی مربوط به اسما و صفات حق، مؤید این معناست که این اسما و صفات، گذشته از ویژگی‌هایی که برای آن‌ها ذکر شده (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶ش: ۸۲)، در ساحت عمل، مؤثرند و اشاعه آن‌ها به معنای برهم‌زدن مناسبات عینی است.

حتی می‌توان ادعا کرد عینیت‌ها اصولاً اصالتی ندارند و تجلی‌ای از این اسما و صفات‌اند؛ از این روی، چگونگی برداشت ما از این اسما و صفات، و انتقال آن‌ها به جهان عینی، مهم است و می‌تواند نظام‌ها را دگرگون کند. معنای این سخن، آن است که این گونه مجاهده (فی الله)، به تغییر انسان و به تبع آن، ساخت‌های عینی بیرونی منتهی می‌شود و نباید و نمی‌توان آن را تحولی صرفاً روحانی، ذهنی و فردمحور معنا کرد (افتخاری، ۱۳۸۴ش: ۸۰-۹۶).

۲-۴. جهاد توحیدی

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)؛ یعنی: «و آنان که به مجاهده در ما اهتمام ورزند، به تحقیق، راه‌هایمان را به ایشان می‌نمایانیم و همانا خداوند به همراه نیکوکاران است».

در این آیه شریفه نیز حرف جر «فی» (متفاوت با الگوی عمومی «فی سبیل الله») به کار رفته و از این حیث، شبیه مورد پیشین است؛ اما مجاهده به «نا» معطوف است؛ نه «الله». این موضوع را می‌توان با معادل دانستن «نا» با «الله» تفسیر کرد و در نتیجه، آیه مورد بحث را مؤیدی دیگر برای بند پیشین دانست؛ اما مستند به اصالت زبان قرآنی و نیز این مسئله که

کاربرد واژگان با تطابق معنایی کامل، اصولاً در این کتاب، وجهی ندارد (ر.ک. نصیری، ۱۳۸۷ش: ۳۱-۶۴)، قائل به تفاوت «نا» با «الله» در این دو آیه بوده و «نا» را عام‌تر و به معنای جهان‌بینی توحیدی ارزیابی کرده است؛ بر این اساس، چند نکته تفسیری مهم در بحث جهاد، بدین شرح، قابل استنتاج است:

الف) در این آیه شریفه، الهی شدن همراه دیگر مقوله‌های مربوط به «الله»، همانند معاد، درک حقیقت دنیا، دوری از شرک، اخلاص و شکر نعمت الهی مدنظر است؛ به همین دلیل، فقط خدایی شدن ذکر نشده و مجاهده بر اصلاح کل بینش خود و جامعه دلالت می‌کند؛ از این روی، کاربرد «نا» در این مقام، معنادار است. توجه به محتوای آیات پیشین که در نهایت، به ذکر این آیه شریفه در پایان سوره منتهی شده، مؤید این معناست.

بر اساس علم مناسبات می‌توان ادعا کرد عصاره تمام آیات پیشین که در آنها، جنبه‌های مختلف ایمان بیان شده، در این آیه شریفه، به تناسب آمده است (ایازی، ۱۳۸۰ش: ۵۴-۵۶) و می‌توان از مجاهده به مؤمن شدن واقعی در عمل و نظر تعبیر کرد.

ب) در اینجا، نتیجه جهاد، هدایت دانسته شده است (لَنَهْدِيَنَّهُمْ) و این نظر با تفسیر «قتالی» از آیه و روی کرد حداکثری مناسبت ندارد؛ از این روی می‌توان تفسیری نرم‌افزار گرایانه از جهاد، یعنی ایمان را مناسب‌تر ارزیابی کرد.

ج) محتوای ایمانی جهاد با توجه به مفعول آیه شریفه نیز تأیید می‌شود. ظاهراً خداوند متعال از «لَنَهْدِيَنَّهُمْ»، معنای عمومی هدایت را اراده ننکرده است؛ زیرا اگر چنین بود، لازم می‌شد از حرف جر «إِلَى» استفاده شود (لَنَهْدِيَنَّهُمْ [إِلَى] سُبُلَنَا). حال که چنین نیست و «إِلَى» به کار نرفته، موضوع «هُدَى»، واژه «سُبُل» است؛ بدین ترتیب، برای مجاهدان، سُبُل الهی آشکار می‌شود.

کاربرد صورت جمع از واژه «سَبِيل» و اتصال آن به «نا» نیز با توجه به توضیح ذکر شده، قابل درک است؛ بدان معنا که «سَبِيل الله» یکی است؛ اما در بخش‌های مختلف، این «سَبِيل الله» باید آشکار شود و مجموع آنها «سُبُلَنَا» می‌شود.

خلاصه کلام، آنکه ایمان و ارتقای آن که در آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ» (نساء: ۱۳۶) ذکر شده، دومین گام در جهاد است که باید در تمام عرصه‌های حیات صورت گیرد تا در نتیجه آن، حیات ایمانی موضوعیت یابد. چنان که می‌بینیم، این نوع نگاه به جهاد، کاملاً نرم‌افزارگرایانه است و نمی‌توان آن را با قتال (شکل سخت‌افزاری) معادل دانست.

۳-۴. جهاد فی سبیل الهی

سومین مرتبه از جهاد، ناظر بر اقداماتی است که در راه خدا صورت می‌گیرد. امتیاز برجسته این جهاد، آن است که مجاهد را به «الله» نزدیک می‌کند و این، رسالتی است که هر راهی درباره مقصدش ایفا می‌کند؛ اما وجه تمایز آن از دو گونه نخستین، این است که آن‌ها در صورت رسیدن به «مقصد»، معنا می‌یابند؛ به همین سبب، گونه‌های اول و دوم به مراتب عالی‌تر و البته دشوارتر از جهاد فی سبیل الله هستند. این گونه جهاد، با دو دسته مفاهیم اصلی در قرآن کریم معرفی شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵)؛ یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه نمایید و به منظور نیل به تقرب الهی، ابزاری که در شأن الهی است را تدارک نمایید و در راه الهی مجاهده نمایید! باشد تا رستگار شوید!».

ملاحظات مربوط به این گونه جهاد عبارت‌اند از:

الف) این گونه جهاد پس از رسیدن فرد به راه الهی، یعنی ایمان اولیه موضوعیت می‌یابد؛ به عبارت دیگر، فرد مسلمان پس از مجاهده (به معنایی که در ادامه می‌آید)، در راه الهی قدم می‌گذارد و از این پس، مجاهده فی سبیل الله موضوعیت می‌یابد.

ب) غایت این مجاهده، رستگاری است که در آن صورت، مجاهده‌های ایمانی و سپس الهی مطرح می‌شوند. با عنایت به اینکه ایمان، دارای سلسله‌مراتب است، می‌توان گفت جهاد فی سبیل الله، مرتبه‌های آغازین و جهاد ایمانی، مرتبه نهایی و عالی آن را شامل می‌شود.

ج) مجاهده فی سبیل الله، نیازمند تدارک دیدن توشه‌ای گرانسنگ است تا بتوان این راه را تا پایان آن، یعنی رسیدن به جهاد ایمانی طی کرد. خداوند متعال از تقوا، رحمت الهی، همراهی دیگر مؤمنان، صبر و... به عنوان عوامل مؤید یاد کرده است.

چنان که می‌بینیم، معنای عام جهاد فی سبیل اللهی، عبارت از هرگونه تلاشی است که انسان مؤمن در راه خدا انجام می‌دهد. مصداق‌های این تلاش، بسیارند و به قتال، منحصر نمی‌شوند؛ از این روی، جنگ سخت، صرفاً مصداقی برای مفهوم عام جهاد فی سبیل الله، بدون ذکر امتیازی خاص از ناحیه شارح در قرآن کریم به شمار می‌آید.

در تعریفی دیگر از این گونه جهاد در قرآن کریم آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵)؛ یعنی: «همانا مؤمنان به‌طور مشخص، آنان‌اند که به خدا و رسولش ایمان آورند؛ سپس در مراحل بعد از آن، دچار شک و تردیدی نشده و در راه خدا، با اموال و جان‌هایشان مجاهده نمودند. ایشان به تحقیق، همان صادقان هستند».

چنان که می‌بینیم، مؤمنان در مسیر الهی و مجاهده برای رسیدن به هدف عالی‌شان باید تلاش بسیار کنند و در تعریف خاص از جهاد فی سبیل اللهی، دو حوزه مال و جان ممتاز شده‌اند؛ بر این اساس، جنگ سخت می‌تواند مصداق خاص مجاهده با جان باشد؛ اگرچه منحصر به آن نیست و دیگر فداکاری‌ها، مانند داستان «لیلة المبيت» را نیز شامل می‌شود.

۴-۴. جهاد مساعدتی

این گونه جهاد، ناظر به کمک افراد یا گروه‌ها به رسول خدا یا مسلمانان است که از این طریق، آنان به مسلمانان نزدیک و از مزایای مادی یا معنوی این کار برخوردار می‌شوند. خداوند متعال در دو مقام، از این جهاد، سخن گفته است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انفال: ۷۵)؛ یعنی: «و آنان که پس از [شما و یا صلح حدیبیه] ایمان آوردند و هجرت نمودند و به همراه شما مجاهده نمودند، ایشان از شما هستند و حکم نزدیکان شما را دارند و مطابق حکم آمده

در کتاب الهی، بعضی از آن‌ها به بعضی دیگر مقدم‌اند. همانا خداوند به همه چیز، کاملاً آگاه است».

مطابق تفسیر آیت‌الله سید محمدتقی مدرسی، در سوره مبارکه انفال، هجرت و کرانه‌های جهاد مشخص شده است؛ از این روی، ضمن تحلیل مبارزه در این سوره مبارکه، به این اصل مهم نیز پرداخته شده که «گونه‌ای از جهاد، در مساعدت و همراهی شما ظهور نموده است» (مدرسی، ۱۳۸۶ش: ۵۳-۵۴).

در مرتبه دوم، این همراهی و مساعدت به رسول خدا (نه مؤمنان) نسبت داده شده است: «وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (توبه: ۸۶)؛ یعنی: «و آن‌هنگام که سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و به همراهی رسول خدا به مجاهده برخیزید، صاحب‌مکتان ایشان از تو طلب اذن نموده و گویند: "ما را رها نما تا در جمع آنان که برای جهاد حرکت نمی‌نمایند، باشیم"».

چنان‌که می‌بینیم، جهاد مساعدتی نیز اعم از جنگ است؛ به گونه‌ای که در موضع نخست، تلقی‌ای عام را می‌رساند و در تلقی دوم، روایتی خاص که به جنگ، نزدیک‌تر است. در اینجا، نکته درخور توجه، آن است که منظور اصلی، مساعدت کردن مؤمنان و رسول خدا (ص) است. حال اگر ایشان قصد جنگ دارند، مساعدت در این زمینه و اگر قصد کاری دیگر دارند، مساعدت در امور اجتماعی، معنا می‌یابد. در هر حال، مساعدت در گستره‌ای متفاوت از مراتب سه‌گانه پیشین مطرح می‌شود.

۵-۴. جهاد همه‌جانبه

در قرآن کریم، نوعی دیگر از جهاد معرفی و تبیین شده است که عموم مفسران از آن به «جهاد کبیر» تعبیر کرده‌اند: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۳)؛ یعنی: «پس هرگز از کافران اطاعت مکن و در مواجهه با ایشان، جهادی بزرگ را پیشه ساز».

این گونه جهاد، نحوه تقابل مسلمانان با کفار و منافقان را که در دو جبهه خارج و داخل قرار دارند، بیان می‌کند و با وضع اصطلاح «جهاد کبیر»، اصل مقابله همه‌جانبه را تبیین می‌کند که مؤلفه‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

الف) اطاعت نکردن؛ بدان معنا که بازیگر مسلمان به هیچ وجه نباید از خواسته‌های نامشروع کفار و منافقان به‌منظور تحصیل رضایت آنان پیروی کند و در این زمینه، هیچ توجیهی را نمی‌توان پذیرفت.

ب) غلظت؛ بدان معنا که در مقام مواجهه با منافقان و کفار باید شدت و سرسختی مسلمانان آشکار باشد تا آن‌ها به‌اشتباه، در ایشان طمع نکنند و سیاست‌های تحمیلی را در پیش نگیرند؛ در حالی که در مناسبات داخلی، رحمت^۱ و نفی شدت^۲، معیار است؛ اما جهاد تقابلی بر شدت و سرسختی بنیان گذارده می‌شود؛ چنان که در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه: ۷۳، تحریم: ۹)؛ یعنی: «ای پیامبر! با کفار و منافقین مجاهده نما و با ایشان به‌شدت و سختی رفتار کن! و آنان در جهنم خواهند بود و تحول و انجामी بس بد برای ایشان است».

نتیجه آنکه در جهاد کبیر، موضوع اصلی، نحوه سامان‌دهی مواجهه رسول خدا (ص) با کفار و منافقان است که با شاخص‌های «اطاعت نکردن» و «غلظت» شناسانده شده است. این جهاد، حسب کلام الهی، برای شخص پیامبر (ص) اثبات شده است؛ گرچه از حیث مفهومی، در اصلاح سیاست خارجی کشورهای اسلامی می‌توان از آن بهره گرفت و دو رکن اصلی یادشده را برای سیاست عملی استنتاج کرد.

۶-۴. جهاد عمومی

آخرین تلقی‌ای که از جهاد در قرآن کریم آمده، تفسیری عمومی به‌معنای تلاش کردن است که مصداق‌هایی مختلف دارد؛ از جمله:

الف) اعمال فشار از ناحیه والدین بر فرزندان برای واداشتن ایشان به اطاعت نکردن از خداوند متعال که معمولاً مستند به عاطفه و موقعیت والدین صورت می‌گیرد و از آن، به

۱ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَتْبَعُوهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹).

۲ «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹).

«جاهداک» تعبیر شده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِالذِّهْنِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۸)؛ یعنی: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آن‌دو [مشرک باشند و] تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن، علم نداری، از آن‌ها پیروی مکن! بازگشت شما به‌سوی من است و شما را از آنچه انجام می‌دادید، باخبر خواهم ساخت»؛ همچنین: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان: ۱۵)؛ یعنی:

و هرگاه آن‌دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی که از آن، آگاهی نداری [بلکه می‌دانی باطل است]، از ایشان اطاعت مکن؛ ولی با آن‌دو در دنیا، به‌طرز شایسته‌ای رفتار کن و از راه کسانی پیروی کن که توبه‌کنان به‌سوی من آمده‌اند؛ سپس بازگشت همه شما به‌سوی من است و من شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌کنم.

ب) سرسختی و جدیت نشان‌دادن در اموری مختلف همچون قسم‌ها یا دین‌داری که با تعبیر «جهد ایمانهم» و «جهدهم» بیان شده است: «وَأَقْسُمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (نحل: ۳۸)؛ یعنی: «آن‌ها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: "هرگز خداوند کسی را که می‌میرد، بر نمی‌انگیزد!". آری! این، وعده قطعی خداست [که همه مردگان را برای جزا بازمی‌گرداند]؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»؛ همچنین: «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه: ۷۹)؛ یعنی: «آن‌هایی که از مؤمنان اطاعت‌کار، در صدقاتشان عیب‌جویی می‌کنند و کسانی را که [برای انفاق در راه خدا] جز به مقدار [ناچیز] توانایی خود دست‌رسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آن‌ها را مسخره می‌کند [و کیفر استهزاکنندگان را به آن‌ها می‌دهد] و برای آن‌ها عذاب دردناکی است».

ج) تحمل سختی در امور رزمی که از جمله الزام‌های هر گونه جهادی نیز هست: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه: ۸۱)؛ یعنی: «تخلف‌جویان [از جنگ

تبوک]، از مخالفت با رسول خدا خوش حال شدند و کراهت داشتند که با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کنند و [به یکدیگر و به مؤمنان] گفتند: "در این گرما [به سوی میدان] حرکت نکنید!". [به آنان] بگو: "آتش دوزخ از این هم گرم‌تر است!" اگر می‌دانستند».

۵. نظریه قرآنی جهاد

همان‌گونه که در بخش دوم مقاله گفتیم، روی کردهای مطرح درباره جهاد، این مسئله به مثابه اقدامی نظامی، سخت‌افزار گرایانه و همسان با قتال و مرابطة دانسته شده است؛ حال آنکه بررسی آیات قرآن در بخش سوم، بیانگر آن است که نظریه قرآنی جهاد، به دنبال تبیین روی کردی جدید به مثابه اقدامی نرم‌افزار گرایانه است که می‌توان از آن، به جنگ نرم تعبیر کرد. در این میان، جهاد نظامی، تنها به عنوان مصداقی از جهاد عمومی و در کنار دیگر گونه‌های جهاد، مطرح است.

بررسی تاریخ تحولات صدر اسلام نیز حکایت از آن دارد که در برهه‌هایی از تاریخ، پرداختن به جنگ نظامی و قتال به منظور مقابله با دشمنان و پیش‌برد دین اسلام و تعالی آن به عنوان مسئله‌ای ممدوح پذیرفته شده بود؛ ولی گاه نیز ائمه اطهار (ع) و به تبعیت از ایشان، رهبران جامعه اسلامی از این کار سر باز زده و راه‌بردهایی دیگر را برای مقابله با دشمنان اتخاذ کرده‌اند. علت این اختلاف نظرها بیش از آنکه به امکانات نظامی و مادی جامعه بستگی داشته باشد، به میزان درک و فهم افراد جامعه و مبانی معرفتی و اعتقادی آنان وابسته است.

مطابق این روی کرد، جنگ را در دو گفتمان متفاوت می‌توان بررسی کرد: نخست، جنگ سخت که در اسلام، با استفاده از واژه «قتال»، از آن تعبیر شده و دوم، جنگ نرم که ذیل واژه «جهاد»، از آن یاد شده و فلسفه و بنیاد آن، مشتمل بر اقداماتی نرم‌افزارانه است که براساس آن تلاش می‌شود از طریق نقد مبانی معرفتی غلط قدرتهای نامشروع حاکم، نفی ساختارهای متعصب سیاسی - اجتماعی محقق شود.

در نتیجه، هر گونه اقدام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی و... که در قالب‌های مختلف سخن‌رانی، نگارش مطلب، مسافرت‌های تبلیغی، تجمع، تظاهرات، ساخت فیلم و... به منظور

تبیین ماهیت غلط و کفرگونهٔ قدرت‌های نامشروع و متجاوز حاکم برگزار شود، خود مصداقی از جهاد و گونه‌ای از جنگ نرم محسوب می‌شود و در نتیجه، افراد از فضایل و پاداش‌هایی که خداوند متعال برای مجاهدان در نظر گرفته است، بهره‌مند خواهند شد. جدول مستندات گونه‌های مختلف از جهاد در قرآن کریم نیز بیانگر آن است که جهاد در اسلام، به مثابهٔ راه‌بردی نرم‌افزاری، مطرح است که امروزه می‌توان با عنوان عمومی «جنگ نرم»، از آن تعبیر کرد:

جدول 1. مستندات گونه‌های جهاد در قرآن کریم

تعداد	مستندات	راه‌برد	هدف	گونهٔ جهاد	آیه
۱	۲۲:۷۸	تبیین ولایت الهی تبیین توحید و اقسام آن تجلی اسما و صفات الهی در جامعه	تغییر ماهیت انسان و جوامع بشری	جهاد الهی	۱
۱	۲۹:۶۹	اصلاح بینش‌ها و نگرش‌ها ارتقای ایمان در تمام عرصه‌های حیات	ترسیم جهان‌بینی توحیدی	جهاد توحیدی	۲
۱۵	۵:۵۴ ۵:۳۵ ۹:۲۴ ۹:۱۹ ۲:۲۱۸ ۸:۷۴ ۹:۲۰ ۹:۸۸ ۴۹:۱۵ ۶۰:۱ ۴:۹۵ ۸:۷۲ ۶۱:۱۱ ۹:۴۱ ۴:۹۵	انجام‌دادن اقداماتی در راه خدا، مانند: کسب تقوا و رحمت الهی صبر و استقامت در مسیر انفاق مال بذل جان (قتال)	تثبیت حضور افراد در مسیر هدایت و توحید	جهاد فی سبیل الله	۳
۲	۸:۷۵ ۹:۸۶	تمسک به پیامبر (ص) و اهل‌بیت(ع) همراهی با دیگر مؤمنان	همراهی جامعهٔ اسلامی با رهبران الهی	جهاد مساعدتی	۴
۳	۹:۷۳ ۶۶:۹ ۲۵:۵۲	تقابل در جبههٔ خارجی تقابل در جبههٔ داخلی	مقابلهٔ همه‌جانبه با دشمنان دین	جهاد همه‌جانبه	۵
۱۵	۹:۴۴ ۹:۸۱ ۳:۱۴۲ ۱۶:۱۱۰ ۲۹:۶ ۶:۱۰۹ ۱۶:۳۸ ۴:۹۵ ۴۷:۳۱ ۵:۵۳ ۹:۷۲ ۲۹:۸ ۳۱:۱۵ ۲۴:۵۳ ۳۵:۴۲	تلاش برای استحکام بنیان خانواده به مثابهٔ اصلی‌ترین نهاد جامعه تلاش برای تداوم روابط میان افراد و گروه‌ها در جامعه تحمل سختی‌ها و مصائب	مطلق تلاش و جهاد در جامعهٔ اسلامی	جهاد عمومی	۶

شایان ذکر است که در این مقاله، منظور از راه برد نرم‌افزاری، برنامه‌ریزی و انجام دادن اقداماتی به منظور شکستن ساختارهای اجتماعی در وضعیت بحران معرفتی است؛ به عبارت دیگر هرگاه ساختارهای متصلب سیاسی و اقتصادی غلط در جامعه حاکم شوند، عنصر آگاهی و معرفت اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نوعی فقر معرفتی به واسطه استضعاف سیاسی و اقتصادی نهادینه شده پدید می‌آید (کرادرز و لاکهارت^۱، ۲۰۰۰م: ۵-۷۴).

در چنین وضعیتی، مقتضای رهایی‌بخشی، اقدام برای شکستن این ساختارهاست تا از این طریق، فضای مناسب برای تعالی معرفتی فراهم شود. نتیجه این برآورد، اصالت یافتن اقدامات سخت‌افزارانه با هدف‌های نرم‌افزارانه است؛ چنان‌که انقلاب‌ها می‌آیند تا ساخت‌ها را زیرورو کنند و ساختاری جدید بنیان‌گذارند که موجب تعالی شود (آکرمن و جک^۲، ۲۰۰۰م: ۱۳-۳۰۴).

البته در بسیاری از موارد، انسان‌ها خود باعث ایجاد چنین وضعیتی می‌شوند و در واقع، بینش، نگرش و باورهای فاسد آن‌ها سبب می‌شود ساختارهای فاسد سیاسی و اقتصادی، حاکم باشد. این‌گونه اسارت، در درون افراد و جامعه ریشه دارد (شریعتی، ۱۳۷۲ش: ۸۳؛ کورترای^۳، ۲۰۰۶م: ۸۶). این ویژگی، مانع از آن می‌شود که بتوان با اقدامات سخت‌افزارانه، به رهایی چنین مردمی امیدوار بود؛ زیرا اقدامات رزمی در چنین جوامعی، اولاً مثبت ارزیابی نمی‌شوند، ثانیاً مردم از آن‌ها حمایت نمی‌کنند و ثالثاً در صورت موفقیت، به نتایج آن‌ها اقبال نمی‌شود و نامشروع تلقی می‌شوند (شریعتی، ۱۳۶۰ش؛ شارپ^۴، ۲۰۰۵م: ۲۵-۳۸).

بر این اساس، در وضعیت مربوط به الگوی دوم، نه تنها اقدام رزمی، چاره‌ساز نیست؛ بلکه به آن توصیه نیز نمی‌شود. برعکس، درپیش گرفتن سیاست‌های روشنگرانه و هویت‌بخش، بسیار مؤثر ارزیابی می‌شوند؛ به همین سبب، قلم‌ها به قیاس با تفنگ‌ها، به مراتب حساس‌تر و کارا تر ارزیابی می‌شوند؛ همان‌گونه که در برخی روایات نیز آمده

1. Lane Crothers and Charles Lockhart
2. Peter Ackerman and Duvall Jack
3. David Cortright
4. Gene Sharp

است: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوُضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتُوزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴/۳۹۹).

خلاصه کلام، آنکه جوامع بشری در چنین وضعیتی، برای آنکه بتوانند اصالت و هویت خود را باز یابند، بیش از هر چیز، نیازمند اقدامات نرم‌افزارگرایانه جهادی هستند تا نبردهای سخت‌افزارانه در میدان‌های جنگ.

۶. نتیجه‌گیری

مطابق تحلیل بیان‌شده از نظریه «جهاد» در گفتمان اسلامی می‌توان نتیجه گرفت بر حاکمان، رهبران و مردم جوامع اسلامی، واجب است با توجه به وضعیت جامعه و امکانات موجود، راهبردهای نرم‌افزارگرایانه جهادی را برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی درپیش گیرند؛ زیرا به نظر می‌رسد شایسته‌ترین راه برای مقابله با انحراف‌های خارجی و نفاق‌های داخلی، تلاش برای رشد و تعالی مبانی معرفتی و اعتقادی جامعه اسلامی است و از منظر قرآن کریم، این مسئله از طریق گونه‌های مختلف جهاد، واقع می‌شود.

در جهاد الهی که بنیادی‌ترین گونه جهاد است، تلاش برای خدایی شدن مطرح است؛ از این روی، خداوند متعال با ربطدادن جهاد به خودش، به دنبال تبیین مفهوم ولایت الهی بوده که ملاک آن، «حَقَّ جِهَادِهِ» است و هیچ مرز و پایانی برای آن نمی‌توان تصور کرد.

هدف از جهاد توحیدی، ترسیم جهان‌بینی‌ای توحیدی است که ناظر به اصلاح بینش‌های افراد و جوامع بشری است. این اصلاح، در مسیر جهاد فی سبیل‌اللهی، همراه با دو گونه ابزار معنوی و مادی ترسیم شده است. ابزارهای معنوی آن، تقوا، رحمت الهی، همراهی با دیگر مؤمنان، صبر، ایمان و عمل صالح، و ابزارهای مادی آن، انفاق مال و جان هستند که مصداق خاص آن را می‌توان در جنگ سخت و «قتال» دید.

گونه‌های دیگر جهاد نیز به صورت عام، بیانگر کمک به جامعه اسلامی و رهبران آن نیز و حمایت از آن‌هاست و از جمله مصداق‌های خاص این مسئله می‌توان جنگ سخت نظامی را نام برد؛ بر این اساس می‌توان مدعی شد آنچه به‌عنوان جنگ سخت نظامی در تاریخ اسلام نمایان شده، در واقع، از اصالت ذاتی برخوردار نیست؛ بلکه از آن حیث که معرف

صبر و استقامت، پذیرفتن زور، اقدام خالصانه برای خدا و مهم‌تر از همه، گامی عملی در مسیر امر به معروف و نهی از منکر است، در راهبرد جهادی ائمه اطهار (ع) جای دارد؛ ولی باید توجه کنیم که جهاد از منظر قرآن، فرایندی چندلایه و پیچیده است که در پایین‌ترین سطح خود، به جنگ سخت و قتال مرتبط می‌شود؛ اما در لایه‌های متعالی، جنگ نرم و جهاد همه‌جانبه توحیدی را مدنظر دارد که هدف از آن، رشد و تعالی مبانی معرفتی و اعتقادی افراد در جوامع بشری است و در لسان دین، از آن، به هدایت و سعادت تعبیر شده است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابراهیمی دینانی، غلام‌حسین (۱۳۸۶ش). *اسما و صفات حق*. تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق بخش پژوهش‌های اسلامی. قم: مؤسسه بعثت.

- _____ (بی‌تا). *الامالی*. تحقیق بخش پژوهش‌های اسلامی. قم: مؤسسه بعثت.

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالعیم حرّانی (۱۳۶۸ق). *رساله القتال*. بی‌جا: مطبعه السنه المحمديه.

- ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی‌بکر (۲۰۰۶م). *زاد المعاد*. القاهره: مؤسسه المختار.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق). *لسان العرب*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- ابوزهره، محمد (۱۳۸۴ق). *العلاقات الدولیه فی الاسلام*. قاهره: الدار القومیه.

- الاسمر، راجی (۲۰۰۵). *معجم الادوات فی القرآن الکریم*. بیروت: دارالجیل.

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴ش). «جهاد نرم درمقابل جنگ سخت: تحلیل راهبرد عاشورایی امام حسین (ع)». *مجموعه مقالات کنگره عاشورا پژوهی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- _____ (۱۳۸۷ش). «چهره‌های قدرت: گذر از سخت‌افزار گرایشی به نرم‌افزار گرایشی». در: جوزف‌نای. *قدرت نرم*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- افتخاری، اصغر و ناصر شعبانی (۱۳۸۸ش). *قدرت نرم و جنگ نامتقارن*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰ش). *چهره پیوسته قرآن*. تهران: هستی‌نما.
- بیستونی، محمد (۱۳۸۶ش). *نگت‌شناسی قرآن کریم*. تهران: مؤسسه قرآنی تفسیر جوان.
- حسن، محمدعلی (۱۴۰۲ق). *العلاقات الدولیه فی القرآن و السنه*. عمان: مکتبه النهضه الاسلامیه.
- ذوقی، امیر (۱۳۸۸ش). *درآمدی تحلیلی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تصحیح صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالعلم.
- رشید، غلام‌علی (۱۳۸۷ش). *بصیرت پاسداری*. تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۱۳۸۱ق). *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*. بیروت: دارالفکر.
- سیاح، احمد (۱۳۷۱ش). *فرهنگ بزرگ جامع نوین*. تهران: اسلام.
- شریعتی، علی (۱۳۶۰ش). *حسین، وارث آدم*. تهران: قلم.
- _____ (۱۳۷۲ش). *انسان بی خود*. تهران: قلم.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۵۹ش). *پس از پنجاه سال: پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲ش). *جهاد در اسلام*. تهران: نشر نی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*. تحقیق سید احمد حسینی. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه.
- عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۳۸۳ش). *حقوق و قواعد مخاصمات در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین‌الملل اسلام*. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۵ش الف). *اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد)*. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۵ش ب). *فقه سیاسی*. ج. ۳. تهران: امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *الکافی*. تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷ش). *جمهوری اسلامی و قدرت نرم*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، سال ۱۱، شماره ۳ / ۸۵

- الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبيب (۱۴۱۵ق). *الحکام السلطانيه و الروايات الدينيه*. بيروت: دار الكتاب العربي.

- مدرسی، سيد محمد تقی (۱۳۸۶ش). *سوره های قرآن: درون مایه ها و محورها*. محمد تقدمی صابری. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

- موسوی خمینی، روح الله (بی تا). *ولایت فقیه و جهاد اکبر*. تهران: الست فقیه.

- نای، جوزف (۱۳۸۲ش). *کاربرد قدرت نرم*. ترجمه سید رضا میرطاهر. تهران: نشر قومس.

- _____ (۱۳۸۷ش). *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- هیکل، محمد خیر (۱۴۱۷ق). *الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه*. بیروت: دارالبیارق.

- Ackerman, Peter and Jack ,Duvall (2000). *A Force More Powerful*. U.S.A: Palgrave.

- Cortrigh, David (2006). *Gandi and Beyond*. London: Paradigm Publishers.

- Crothers, Lane and Charles Lockhart (2000). *Culture and Politics: A Reader*. New York. St. Martin Press.

- Messenger, Charles (2001). *Reader Guide to Military History*. London and Chicago: Fitzory Dearborn.

- Sharp, Gene (2005). *The Methods of Nonvilent Action*. Boston: Extending Horizons Books.

- Vasquez, John (1998). *The Power of Power Politics*. U.S.: Cambridge University Press.